

تبیین موضع گیری نظامی ایران پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه.ش) بر اساس نظریه‌ی رئالیسم تدافعی

فریبا ترجمان، فاطمه نصرالهی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

چکیده:

در پدیده جنگ و ناامنی مسائل امنیتی به ویژه مرزها اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. این مسأله در ایران بعد از جنگ جهانی دوم که با اشغال نیروهای متفقین و توجه آمریکا به مسائل امنیتی خود روبرو شد صدق می‌کند. اهمیت توجه به مرزها در برهه زمانی ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه.ش تا جایی بود که در قالب دستورالعملی از جانب وزارت کشور دولت پهلوی نظارت بر مسائل مرزی در دستور کار قرار گرفت. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با استفاده از چهارچوب نظری رئالیسم تدافعی و بررسی اسناد آرشیوی در این سالها به تبیین موضع گیری نظامی ایران پس از جنگ جهانی دوم در فاصله‌ی سالهای (۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶) بپردازد. انتخاب این بازه زمانی به دلیل توجه ویژه دولت ایران به مسائل امنیتی مرزها تحت تاثیر فعالیت و عضوگیری حزب توده در مناطق مرزی کشور و سیاست سدنفوذ آمریکا بود. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت ایران با توجه به رویکرد تدافعی سعی در حفظ خود در شرایط نظام آنارشیک را داشت و در این برهه از تاریخ استحکام‌بخشی مرزبانی‌ها در راستای حفاظت از سرحدات مملکت، افزایش قدرت نسبی، جلوگیری از اقدامات سوء دولت‌های همسایه ایران و حفظ بقا بود.

واژگان اصلی: مرز، مرزبانی، امنیت، جنگ جهانی دوم، رئالیسم تدافعی.

مقدمه

جنگ همواره بخشی جدایی ناپذیر از زندگی بشر محسوب می شود در متن تاریخ داستانهای از مشاجره بین مردمی که نواحی مختلف جغرافیایی را چه در سطح قبیله‌ای ادوار اولیه و چه بین ابر قدرتهای امروزی اشغال کرده‌اند وجود دارد. بخش اعظم این مشاجرات و جنگ‌ها بر سر قلمرو جغرافیایی است. قلمرو از نظر حقوقی به معنای سرزمینی است که به یک حکومت معین تعلق دارد، جغرافی دانها، قلمرو را به مفهوم بسیار عام آن بکار می‌برند، یعنی ناحیه‌ای که در آن حقوق مالکیت اعمال می‌شود و به طریقی محدود و مرزبندی می‌گردد (هاگت، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۵۱) در سال‌های اخیر، جغرافی‌دانان مشهوری چون پرسکات، تلاش کرده‌اند در مورد پدیده‌های تغییر و تحول مرزها و عملکرد دولتها، به عملکردهای استراتژیک مرز توجه نشان دهند (Prescott, 1987; 24) این می‌تواند به دلیل اهمیت نقش استراتژیک مرزها در شکل‌گیری تحولات سیاسی باشد. در زمان جنگ جهانی دوم ایران به دلیل موقعیت استراتژیک مورد توجه کشورهای شوروی و انگلیس قرار گرفت و ارتشی که رضا شاه بیشترین بودجه کشور را به آن اختصاص داده بود با اندک مقاومتی در هم شکسته شد متعاقباً در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش با نادیده گرفته شدن اعلام بی طرفی مورد تهاجم و اشغال متفقین قرار گرفت. در این زمان با روی کار آمدن محمد رضا شاه پهلوی محدودیتهای سیاسی ایجاد شده توسط رضا شاه از بین رفت در نتیجه شاهد ایجاد فضای باز سیاسی و فراهم شدن زمینه‌های فعالیت برای روزنامه‌ها و به ویژه احزاب فراهم گردید در واقع در این فضا شاهد ایجاد نوعی هرج مرج نیز هستیم در چنین فضایی احزابی مانند حزب توده در راستای تأمین منافع دولت شوروی در ایران به فعالیتهای خود شدت بخشیدند، این در حالی بود که ایران به دلیل حضور متفقین و بحث کمبود غلات و مشکل خشکسالی آفات و قحطی و احتکار از نظر اقتصادی روزهای سختی را تجربه می‌کرد و مرزهای کشور نیز بر اساس اسناد به جای مانده از این دوره استحکام و نظم چندانی نداشتند از این رو دولت پهلوی با توجه به تجربه‌ی اشغال و با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های شوروی، آمریکا و انگلیس در ایران به دنبال نقض حقوق حاکمیتی ایران بودند سعی در حفظ خود در این نظام آنارشیک را داشت بنابراین این پژوهش بر آن است تا به تبیین مواضع نظامی ایران بین سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه.ش بر مبنای رئالیسم تدافعی بپردازد. فرضیه‌ی این پژوهش بر این اساس است که دولت ایران تحت تاثیر شرایط ناشی از جنگ و اشغال نظامی با آگاهی از قدرت شوروی و آمریکا رویکرد تدافعی را اتخاذ و سیاست تقویت نظامی و استحکام بخشی مرزها را با هدف تأمین امنیت نسبی و حفظ بقا در پیش گرفت این امر ناشی از برداشت ذهنی حاکمان سیاسی ایران از فهم قدرت بود.

پیشینه شناسی تحقیق

در خصوص جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن مقالات و تألیفات متعددی در حوزه‌ی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انجام شده است اما از منظر توجه به مسأله‌ی مرزبانی و تحلیل بر اساس رئالیسم تدافعی این پژوهش در نوع خود کار بکر و تازه‌ای است که برخی پژوهش‌ها ارتباط بسیار کمی با موضوع آن دارند در مجموع می‌توان پیشینه‌ی پژوهش را از سه محور موضوعی مختلف مورد بررسی قرار داد: ۱_ مسأله مرز و مرزبانی در ایران، ۲_ ایران پس از جنگ جهانی دوم، ۳_ نظریه رئالیسم تدافعی که در ادامه به بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه‌ها می‌پردازیم:

ابراهیم توکلیان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود با عنوان "مرز، امنیت و راهکارهای امنیت در مرزها" ضمن ارئه‌ی تعریف مرز به اهمیت مرزها در حفظ استقلال دولتها پرداخته است و امنیت مرزها را منوط به حفظ تعادل در روابط بین قدرتها می‌داند، مسأله‌ی ای که در نظام آنارشیک که ایران در طی جنگ جهانی دوم و پس از آن تجربه کرد به راحتی قابل حصول نیست.

سعیده خلیلی و بهروز اسمعیل زادگان (۱۳۹۷) در مقاله‌ی ای با عنوان "نقش عاملیت قدرت در خروج نیروهای شوروی از ایران" از به نقش چهار عاملیت قدرت؛ دیپلماسی عقلانی قوام، اولتیماتوم ترومن رئیس جمهور آمریکا، تغییر سیاست‌های عمومی شوروی و بازیگری سازمان ملل در خروج شوروی از ایران اشاره کرده که مبتنی بر نوعی نگاه فرد گرا متأثر از سیاست خارجی در دیپلماسی دولت ایران بوده است.

مهدی صلاح و علی سلیمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "متغیرهای مؤثر بر روابط ایران و آمریکا از آغاز تا پایان جنگ جهانی دوم" دلایل روی آوردن ایران به قدرت سوم یعنی آمریکا را مورد توجه قرار داده است و با بکارگیری سه رهیافت کلان، خرد و میانبرد به تحلیل سیاست خارجی ایران پرداخته است.

در بخش مبانی نظری تحقیق، کیهان برزگر (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود با عنوان "سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی" اگرچه سیاست خارجی ایران را پس از بحران عراق در سال ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار داده است ولی از آنجا که عملکرد سیاسی ایران در تقویت مرزها مورد توجه قرار گرفته است از این نظر می‌تواند در پژوهش حاضر مفید واقع گردد.

هادی آجیلی و نیما رضایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی تحت عنوان "رئالیسم تدافعی و تهاجمی" چهارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخدادهای حوزه‌ی خلیج فارس" در پی پاسخ به این سوال

هستند که کدامیک از نظریه های روابط بین الملل بهتر می توانند وقایع و رخدادهای امنیتی-نظامی منطقه خلیج فارس را تبیین کنند و در نهایت رئالیسم تدافعی را رویکردی مناسب جهت تحلیل وقایع و رخدادهای منطقه خلیج فارس معرفی می نمایند.

با در نظر گرفتن پیشینه ی پژوهش آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش ها متمایز می سازد بررسی مواضع ایران در جنگ جهانی دوم در بازه زمانی ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه.ش در ارتباط با مسأله ی مرز و مرزبانی و نگاه ویژه ی این مقاله به نظام آنارشیک و موضع گیری ایران در قبال آن است.

مبانی نظری تحقیق

بروز بحران در حوزه روابط بین الملل به ویژه پس از وقوع جنگی های بزرگی همچون جنگ جهانی اول و دوم امری بدیهی است لذا شکل گیری آنارشیک در چنین وضعیتی دور از تصور نیست از این رو با وقوع جنگ جهانی دوم در یک معادله ی قدرت شاهد دو نوع رویکرد هستیم، رویکرد رئالیسم تهاجمی و رویکرد رئالیسم تدافعی، هر دو نظریه بر این فرض استوارند که نظام بین الملل از دولتهای عقلانی و منفردی تشکیل شده که میل به امنیت انگیزه ی آنان است (Rose, 1998: 1499) در رئالیسم تهاجمی نوع نگاه، نگاه فرا مرزی است (برگز، ۱۳۸۸: ۱۲۵) اما رئالیسم تدافعی که دغدغه ی اصلی آن امنیت است در صدد کسب قدرت کافی در راستای ایجاد موازنه است. نگاه رئالیستهای تدافعی هم به آنارشیک بین المللی و هم به رفتار دولت ها است (jervis, 1999: 43). نظریه پردازان رئالیسم تدافعی و از جمله والتر بالترین هدف دولتها را امنیت می دانند آنها معتقدند دغدغه اصلی دولتها نه به حداکثر رساندن قدرت بلکه حفظ خود در روابط بین الملل است. توجه به اهدافی نظیر امنیت، قدرت و آرامش زمانی ممکن می گردد که بقا حفظ شود (walts, 1979, 126, 149) در این نظریه سیاست خارجی دولتها پاسخی به تهدید های خارجی است. از نظر رئالیسمهای تدافعی قدرت یک هدف نیست بلکه ابزاری برای حفظ امنیت است (کامل، ۱۳۸۳: ۱۶۰) همچنین قدرت آن دسته از توانمندی هایی است که دولتها را قادر می سازد راهبردهای دیپلماتیک و خاصی را دنبال کنند و همین تعریف از قدرت و توانایی مادی در کنار قیاس های تاریخی ضمن اثرگذاری بر برداشت ذهنی رهبران بر تصمیمات و عملکرد آنها نقش عمده ای دارد و سیاست داخلی آنان با بسیج نیروهای مادی و انسانی و هماهنگی بین قوای لشکری و کشوری شکل می گیرد (Steimo, Thelen and Longstreth, 1992: 11).

ایران در آنا‌رشی نظام بین الملل

هول‌دلیچ معتقد بود که جنگ‌های عمده جهان، بیشتر در مناطق مرزی مورد مناقشه رخ داده است (Glassner, 1993:86) مانند اتفاقی که برای دولت ایران با نادیده گرفتن مرزهای آن از سوی متفقین در سال ۱۳۲۰ه.ش روی داد، از دلایل اصلی این رخداد رقابت کشورهایمانند شوروی و انگلیس و سپس آمریکا طی جنگ جهانی دوم بر سر منابع غنی نفتی ایران بود. به دنبال حمله آلمان به لهستان در شهریور ۱۳۱۸ش/اگوست ۱۹۳۹م. و متعاقب آن حمله آلمان به انگلستان و فرانسه، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد (گنجی بخش زمانی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) ظاهراً آلمانها قصد داشتند بر منابع نفتی قفقاز و سپس ایران دست یافته و بعد به کل خاورمیانه سرازیر شوند. به دلیل گستردگی مرز ایران با شوروی و درگیری این کشور با آلمان نازی و متحدینش، این بی‌طرفی نادیده گرفته شد. دولت انگلیس از ایران خواست که سیاست بی‌طرفی را کنار گذاشته و امکان ورود نیروهای انگلیس و شوروی به خاک خود را فراهم آورد اما رضاشاه این پیشنهاد را نپذیرفت (آبادیان، ۱۳۹۰: ۳۰-۱) مدتی مذاکرات و تهدیدات ادامه داشت تا اینکه متفقین به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران (عظیمی، ۱۳۷۴: ۵۱)، در بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰ شمسی از زمین، دریا و هوا حریم مرزهای ایران را شکستند و وارد کشور شدند (الموتی، ۱۳۷۰: ۲۲۹).

به گفته متفقین اگر نفت ایران از دست میرفت لازم بود که در حدود ۳/۵ میلیون تن نفت از آمریکا تهیه نمایند و این کار به ۲۷۰ کشتی نفت کش اضافی احتیاج داشت که تامین آن در واقع ۲۰ درصد قدرت آنان را برای ادامه جنگ می‌کاست شعار متفقین در این دوران این بود که ایران را به پل پیروزی تبدیل کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۶۱-۷۲)، در این زمان در کنار وجود منابع غنی نفتی علت توجه متفقین به ایران راه‌های آن بود که طی بررسی راه‌های مواصلاتی دیگر برای ارسال کمک تسلیحاتی به شوروی مسیر ایران بهترین راه برای اهداف سیاسی متفقین بود. مسیرهای دیگر و از جمله راه هند و افغانستان به آسیای میانه و خاک شوروی به علت کوهستانی بودن و نبود امکانات لازم نمی‌توانست مورد استفاده قرار گیرد و علاوه بر آن این راه می‌توانست مورد حمله دولت ژاپن متحد آلمان قرار گیرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۱: کارت ۸، پرونده ۲۹، شماره سند ۳). امنیت راه‌های ایران برای متفقین اهمیت راهبردی داشت. چرا که هواپیماهای آلمانی به علت بعد مسافت نمی‌توانستند این راه‌ها را بمباران کنند (سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۱۰۱۵۸/۱۰۱۴۰ ص ۱) مسأله مهم دیگر تعداد زیاد راه‌های ایران بود که متفقین روزانه در بدو

ورود خود از این راهها در حدود ۲۰۰۰ تن و بعداً تا ۵۰۰۰ تن وسائل به روسیه حمل می‌نمودند و از همه مهمتر آمادگی این راهها بود که حمل و نقل به آسانی و به سرعت صورت می‌گرفت، اگر این راه وجود نداشت متفقین مجبور بودند خود اقدام به احداث راه نموده و یا راههای خراب را آماده نمایند و این مسلتزم وقت و هزینه زیادی بود (آرشیو ملی ایران شماره ۱۰۱۵۸۰/۱۰۲۴۰: ۱) نتیجه آنکه متفقین در شهریور ۱۳۲۰ مرزهای ایران و اعلام بیطرفی آن را نادیده گرفتند و وارد ایران شدند، ایران مدتها در اشغال نیروهای متفقین ماند. شوروی با تداوم حضورش در ایران قصد داشت تا از طریق نیروی نظامی به جریانات کمونیستی فعال در آذربایجان و تهران کمک کند و به این وسیله حکومتی دست‌نشانده در ایران و یا حداقل در آذربایجان ایجاد نماید که حافظ منافع اردوگاه کمونیسم باشد. علاوه بر این، دولت شوروی در صدد آن بود تا با کسب امتیاز نفت شمال و حفظ حضور خود در ایران، حضور انگلیس را خنثی نماید و از حضور نیروهای نظامی خود به‌عنوان اهرمی جهت نیل به امتیازات سیاسی و اقتصادی مطلوب در ایران استفاده نماید (بیل، ۱۳۷۱: ۵۶-۵۵) استالین گفته بود: «آذربایجان ایران به میوه رسیده‌ای می‌ماند که از درخت چیده شده باشد و انسان را به خوردن دعوت می‌کند» (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۷۹). در این میان نقش فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در تمایلات شوروی به ایران قابل توجه است. بیشترین توجه فرقه‌ی دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری به زبان ترکی و گسترش آن در ادارات دولتی و مطبوعات و مدارس بود. شایان ذکر است که «انجمن فرهنگی ایران و شوروی» توسط روس‌ها در تبریز به وجود آمده بود که در گسترش زبان آذری نقش زیادی داشت (مرشدی زاد، ۱۳۸۰: ۳۱۴).

این اقدامات شوروی سبب شد تا دولت ایران علیه مداخلات دولت شوروی در شمال ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت نماید، شورای امنیت نیز رسیدگی به این مساله را پذیرفت و به هر دو طرف پیشنهاد داد تا با مذاکره و گفت‌وگو مشکلات خود را حل نمایند، به همین منظور «قوام‌السلطنه» در راس هیأتی به مسکو رفت و در آنجا مورد استقبال استالین و مقامات عالی رتبه‌ی شوروی قرار گرفت. در ماه پایانی سال ۱۳۲۴، کلیه‌ی نیروهای انگلیسی طبق مفاد عهدنامه‌ی سه جانبه، خاک ایران را ترک کردند و تنها سربازان شوروی در ایران باقی ماندند. دکتر محمد مصدق طی نطق پرشوری در مجلس نسبت به عدم تحلیه‌ی خاک ایران از سوی شوروی، شدیداً اعتراض کرد و خواستار بیرون رفتن ارتش سرخ از ایران شد. در چنین شرایطی دولت شوروی ناگزیر بود از حداکثر توقعات خود در ایران چشم‌پوشد و به آنچه مهم‌تر و

حیاتی‌تر از همه است یعنی بهره‌برداری از نفت اکتفا نماید. پس روس‌ها تا زمان انعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی - ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ - و تشکیل کابینه‌ی ائتلافی با حزب توده در تهران - ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ - حاضر به خروج از ایران نشدند (عاقلی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۲۲). طبق گزارش وزارت کشور مورخ ۱۳/۰۳/۱۳۲۵ و ۱۳۲۵/۰۴/۵ شوروی در صدد ایجاد پایگاه و عضو گیری برای حزب توده بود از این رو در مناطق غربی مانند ایلام متمرکز گردید به طوریکه افرادی به نام محمد خداداد کارمند اداره کشاورزی وقت به همراهی جعفر بیدل پیشه ور به همراهی چند نفر دیگر به تشکیل حزب توده در ایلام پرداخته و حدود صد نفر نیز با خود همراه کرده بودند (آرشیو اسناد ملی سند شماره ۱/۲۱۴۸/۴۷۳۸). کمی بعدتر فردی به نام تقی رخشینه تبریزی خود را نماینده رسمی حزب توده معرفی کرده اگرچه مردم این مناطق به دلیل ماهیت زندگی و تعلقات ایلی و عشایری با فعالیتهای حزبی مخالف بودند اما به هر حال امکان برخورد از ناحیه ی افراد داری وجهه و پیشه وران می رفت (آرشیو اسناد ملی سند شماره ۱/۲۷۰۲۷/۴۱۰) اما بر اصل قضیه که تلاش شوروی برای ادامه ی نفوذ در ایران بود خدشه ای وارد نمی سازد و این اقدام شوروی نوعی بی نظمی و تشش و آنارشیسیم را در مناطق مرزی ایران به بار آورده بود به طوریکه مکاتبات استناداری پنجم با وزارت کشور حول دغدغه مندی در خصوص بر هم خوردن نظم و ایجاد آشوب در این مناطق بوده است (آرشیو اسناد ملی سند شماره ۴۸۷۸) در این زمان احساس ناامنی بازرگانان و پیشه وران از فعالیتهای حزب توده در ایلام باعث شد که از عقاید مذهبی مردم در مبارزه با این حزب بهره ببرند و با شعار اینکه حزب توده دزد ناموس و مال مردم ایلام است در صدد برآیند حزب دینی امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) را در برابر حزب توده تشکیل دهند (آرشیو اسناد ملی سند شماره مورخ ۱۳۲۵/۰۴/۱۲ شماره ۶۰۱) که می توانست درگیرهای مذهبی را در داخل یک کشور به دنبال داشته باشد. مشکل دیگر ایران در این زمان حضور رقیب دولت شوروی یعنی آمریکا بود. در سال های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ ه.ش آمریکائیان که به موقعیت ژئوپولیتیک ایران آگاهی داشتند به بهانه ایجاد کمربند ایمنی و در واقع به خاطر منابع نفتی ایران معارضة با انگلیس را آغاز کردند و با این بهانه که شرکت نفت ایران و انگلیس ملت ایران را استثمار می کند و این استثمار باعث فقر و بیچارگی مردم ایران می شود به مقابله با انگلیس برخاستند. (محمدی، ۱۳۷۷: ۹۴) در طول جنگ، امریکا به دقت حرکات شوروی را در شمال ایران زیر نظر داشت و متوجه بود آن کشور برای بعد از جنگ چه تدارکی می بیند. اما چون مساله آلمان

در میان بود، امریکا کمکهای خود به شوروی را قطع نکرد. ایالات متحده در طول جنگ یک هدف کوتاه‌مدت در ایران داشت که همان ایجاد امنیت در داخل کشور بود تا جریان کمک‌های متفقین به شوروی تسهیل شود، اما هدف بلندمدت امریکا نگه‌داشتن ایران در حوزه بلوک غرب بود. دولت امریکا سعی داشت با تقویت ارتش ایران و ژاندارمری - که اقدامات مربوط به آن را شروع کرده بود - این کشور را در آینده زیر سیطره غرب نگه دارد (نجاتی، ۱۳۷۱: ۵۸).

ایران و سیاست بازدارندگی در راستای تحقق امنیت و حفظ موجودیت

با اشغال ایران توسط متفق و تمایلات آمریکا به حضور در منطقه و گسترش نفوذ در ایران و وضعیت نا آرام مناطق مرزی مانند کردستان و آذربایجان به واسطه تحرکات شوروی، امنیت مناطق مرزی در راستای حفظ بقا در ذهنیت رهبران سیاسی ایران سایه افکند. در کارکرد بازدارندگی مرز، نگرش امنیتی - سیاسی غالب است. امنیت مرزی به معنای جلوگیری کردن از هر گونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص، حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است امنیت مرزها پشته‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل، امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵). ایران در این زمان تحقق امنیت را امکان پذیر می‌دانست و در صدد حفظ موازنه و باز داشتن تهدید گر بود دولت ایران چون خود را در یک تهدید فوری می‌دید اقدام به ایجاد موازنه کرد، کاری که در رئالیسم تدافعی امری معمول محسوب می‌گردد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۵). زمانی که ایران به اشغال متفین درآمد، موجی از هرج و مرج و بلا تکلیفی سراسر کشور را دربر گرفته بود. اوضاع امنیتی کاملاً بی‌ثبات بود، بسیاری از امرای ارتش و افسران ارشد گریخته بودند، سربازان باقی‌مانده در سربازخانه‌ها مواد خوراکی در اختیار نداشتند، نظم و انضباط در هیچ رده‌ی ارتش برقرار نبود، دزدی از منازل مردم و غارت مغازه‌ها افزایش یافته بود و نظامیان نیز در این غارت‌گری نقش داشتند (تاجبخش، ۱۳۷۴: ۶۷-۷۹) در مناطق مرزی کردستان و آذربایجان مأمورین ژاندارمری و شهربانی خلع سلاح شده و تعداد پرسنل آنها تا حد زیادی کاهش پیدا کرده بود (امینی، ۱۳۸۱: ۸۱-۸۰).

۸۲) رقابت شوروی و آمریکا بر سر کسب منابع نفتی ایران سرآغاز جنگ سرد گردید و آمریکا از سال ۱۳۲۶ ه.ش به بعد به عنوان قدرت برتر ضد کمونیسم مطرح شد، حضور آمریکا در کنار ایران موجب گردید ایران امنیت را دست یافتنی تر قلمداد نماید و از آنجا که تقویت نیروی نظامی ایران گام موثری برای ایجاد ثبات و امنیت داخلی ایران در برابر اردوگاه کمونیسم به شمار می‌رفت، دولت آمریکا با تقویت نیروی نظامی ایران موافق بود. البته این تقویت را تا حدی جایز می‌دانست که ایران بتواند در مقابل تهاجمات شوروی ایستادگی و شورش های داخلی را سرکوب نماید. در راستای همین هدف هم دولت ایران که در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در تقاضای وام از آمریکا پیشگام بود علاوه بر درخواست وام در این برهه زمانی خواستار استفاده از مشاوران آمریکایی نیز بود. احمد قوام در اوج بحران آذربایجان از آمریکا تقاضای یک وام ۴۵ میلیون دلاری کرد که تنها با ۳/۳ میلیون دلار آن موافقت شد (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۸۰-۱۸۱) محمد رضا شاه تنها راه تحکیم قدرت و موقعیت خود را در بازسازی و تجهیز ارتش به سلاحهای مدرن می دید لذا جهت تحقق این هدف، در سیام خرداد ۱۳۲۶ ش/ بیستم ژوئن ۱۹۴۷ موافقتنامه‌ای درباره خرید معادل ۱۰ میلیون دلار جنگ افزار سبک بین ایران و آمریکا به امضا رسید. مجلس شورای ملی ماده واحده مربوط به این موافقتنامه را در بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۲۶ ش/ پانزدهم فوریه ۱۹۴۸ به این شکل تصویب کرد: «به منظور تکمیل وسایل ارتباطی، حمل و نقل، بهداشت، تجهیزات و تسلیحات نیروهای زمینی، هوایی و ژاندارمری ایران، مجلس شورای ملی به وزارت جنگ اجازه می‌دهد که از دولت آمریکا که طبق لایحه دولت، پیشنهاد مساعدی در مورد فروش وسایل مزبور نموده است از مبلغی که از ده میلیون ریال تجاوز نکند وسایل مزبور را خریداری کند و بهای آن را ظرف مدتی که از دوازده سال بیشتر نباشد، از ابتدای سال ۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ به اقساط سالانه و با بهره ۳/۸ درصد پردازد» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸: ۴۳). اگرچه ایران در تأمین امنیت خود در سطح بین الملل به کمک آمریکا اقداماتی را انجام داد اما آمریکا نیز در پی توازن قوا و حفظ منافع خود در ایران بود به طوریکه در ۳۰ دی ۱۳۲۷ برنامه اصل چهار ترومن را اعلام کرد که هدف آن به ظاهر مقابله با کمونیسم و در واقع نفوذ در کشورهای جهان و به ویژه مستعمرات سابق، در چارچوب سیاست جهانی جدید آمریکا بود که از طریق اهدای کمکهای مالی و فنی به کشورهای عقب مانده جهان سوم شکل می گرفت. از نظر دفاعی نیز به دنبال امضای پیمان آتلانتیک شمالی آمریکا شروع به ارسال کمکهای نظامی و اعزام مستشاران نظامی به ترکیه و ایران کرد. ۱۴ مهر ۱۳۲۸ کنگره آمریکا قانون دفاع

مشترک را تصویب کرد و مبلغ ۲۷ میلیون دلار کمک نظامی به ایران، کره جنوبی و فیلیپین اختصاص داد نظر به اینکه باز هم این مبلغ تکافوی احتیاجات ارتش ایران را نمی‌کرد در ۴ مرداد ۱۳۲۹ کنگره آمریکا اصلاحیه را به قانون دفاع مشترک افزود و ایران را از رده کره جنوبی و فیلیپین خارج کرد و در ردیف ترکیه و یونان قرارداد که مجموعاً ۱۳۱ میلیون دلار برای کمک نظامی به این سه کشور در نظر گرفته شده بود. مجموع کمکهای نظامی آمریکا به ایران در فاصله ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ به ۱۷۵ میلیون دلار بالغ گردید (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۲، ۴۳).

ایران و ساختار ظرفیت قدرت

از دیدگاه سیاست بین الملل واحدهای تشکیل دهنده ی نظام بین الملل مسوول حفظ امنیت خود هستند و هر دولت هر طور که مناسب تر تشخیص دهند می‌توانند به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود بپردازد (بیزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۰) و از آنجا که در شرایط آناژشی خودیاری ضروری ترین قائده ی محتمل است (دوئرتی، فالتز گراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴) از این رو ما شاهد آن هستیم که کشورهایی مانند شوروی و آمریکا به تقویت و نفوذ هرچه بیشتر نظامی خود روی آورند و تمرکز خود را متوجه مسائل برون مرزی و افزایش نفوذ بین المللی کردند اهدافی که یادآور رئالسم تهاجمی بود (Zakaria, 1998: 3).

میل افزایش قدرت بین دو کشور شوروی و آمریکا و سعی در نفوذ به مناطقی مانند ایران ناشی از وضعیت آناژشیک نظام بین الملل، بی‌اعتمادی دولتها نسبت به یکدیگر و توانمندی های تهاجمی دولتها بود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۲). در این زمان دولت ایران که در خود توان ایجاد یک هژمون بین المللی را نداشت، همه‌ی امکانات مادی خود را در راستای راهبرد نظامی و دیپلماتیک خاص یعنی همان تقویت مرزها به کار بست و در این راستا تمرکز خود را به جزئی ترین موارد مرزداری نیز معطوف نمود از جمله این موارد توجه به رعایت اخلاقیات در بین مرزبانان بود حساسیت دولت تا حدی بود که از مرزبانان آزمون هایی مربوط به اطلاعات عمومی و اختصاصی گرفته می‌شد همچنین عدم اعتیاد به مواد ممنوعه از تأکیدات مرزبانی کشور محسوب می‌شد. شیوه رفتار مرزبانان بایستی طوری می‌بود که برای ساکنین منطقه و دولت همسایه ایجاد زحمت ننماید (آرشیوملی ایران، نمره عمومی ۹۲۳۴ تاریخ ۱۳۲۶/۰۶/۲۵). از میان اسناد به جا مانده از این دوره دست نوشته هایی به جای مانده که اگرچه از نظر زمانی دقیقاً

مشخص نیست در چه تاریخی نگارش یافته است لیکن جز اسناد دسته بندی شده در امور مرزبانی سال ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ ه.ش می باشند که در آن موارد مهمی در ارتباط با مرزبانی مورد توجه قرار گرفته است از جمله اینکه چون برخی مرزبانان با منطقه ی محل مرزبانی خود آشنایی ندارند بایستی دستورات جامعی به آنان ابلاغ گردد از جمله اهم مطالبی که بایستی در اختیار مرزبانان قرار گیرد می توان به مفاد زیر اشاره داشت:

۱- لزوم اطلاع از آیین نامه ها مرزبانی و مقاله نامه هایی که با دول همسایه بسته شده است؛ لازم است مرزبانان قبل از اعزام به محل خدمت با این آیین نامه و مقاله نامه ها آشنایی داشته باشند تا حق دولت تضییع نگردد.

۲- لزوم اطلاع مرزبانان از قوانین مدنی، جزایی، دادرسی، تابعیت و گذرنامه.

۳- لزوم وجود دو نسخه از قوانین و مقاله نامه ها در ایستگاههای مرزبانی و ترجیحاً یک نسخه نیز به زبان خارجه.

۴- لزوم تهیه و قرار دادن نسخه ای از قوانین و مقررات دول همسایه در مرزبانی ها.

۵- لزوم وجود نسخه ای از نقشه ی محل خدمت مرزبانان در مرزبانی ها و همچنین وجود نقشه ی از دولت همسایه.

۶- لزوم اطلاع مرزبانها از وضع اقتصادی، کشاورزی، جغرافیایی، روحیه، اخلاق، نژاد، مذهب و زبان متنفذین منطقه مرزی ایران و دولت همسایه.

۷- نظارت بر اجرای دستورالعملهای فوق از سوی شخص یا بخشی از سوی مرزبانی و در خصوص مرزبانانی که اخیراً به محل خدمت اعزام شده اند ملزم هستند منطقه ی مورد نظر را بازرسی و شناسایی نمایند به طوریکه نام دهات، فاصله ی آنها از هم و فاصله ی آنها از راه شوسه، میزان و نوع محصولات، تعداد جمعیت، سوابق تاریخی آنها میزان فرهنگ، وضع بهداشت، انتظارات آنها، اقداماتی برای بهبود ترقی وضع عمومی آنها، شناسایی عوامل بر هم زدن تعادل امنیتی در مرزها مانند تجاوزات مسلح و غیر مسلح، دستجات، عبور و مرورهای غیرقانونی، سرقت اغنام و احشام، تخطی به املاک زراعتی، استفاده غیر مشروع از آب و خاک، مراتع و وقوع جرم و جنایات، که اهمیت فراوان این مسائل برای ایران و دولتهای همسایه باعث گردیده در این زمینه قرارداد و پروتکل هایی بسته شود و موارد دخالت مرزبانی در آن ذکر گردد. از تمامی این اطلاعات فوق الذکر می بایست یک نسخه ی آن به مرزبانی ها و نسخه دیگر به وزارت کشور فرستاده شود همچنین ارسال گزارش از

عملکرد مرزبانی، رعایت اخلاقیات و مراقبت از خانواده و پرهیز از اعتیاد، ارائه‌ی گزارشی از تاریخچه مرزبانی و حوزه و عملکرد آن و توجه به مقرراتی مانند وضعیت تعلیف احشام در زمین های ایران از دیگر موارد قابل ذکر در این سند است (آرشیو ملی ایران شناسه سند ۸۱۳۷/۲۹۰). در خواست وسائل نقشه کشی و نسخه هایی از مقاله نامه ها به زبان فرانسه به منظور حفاظت بهتر از مرزها و تخصیص بودجه ی مطبوعات به این امور (آرشیو ملی ایران، نمره ۱۶۹۳۹، تاریخ ۱۳۲۶/۰۲/۳۰) از دیگر اقدامات دولت در راستای برقرای امنیت و حفظ بقاء با استفاده از امکانات مادی و ساختار ظریف قدرت بوده است عملکرد دولت ایران در این زمان به دلیل احساس تهدید از سوی سایر کشورها در راستای حفظ موازنه بود در واقع گرای تداغی کشورهای که مورد تهدید قرار می گیرند میلی به توسعه طلبی ندارند (Waltz, 1979:190-191).

توجه به اموری مانند ۱- توانایی ها و امکانات موجود در مناطق مرزی (جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلتیک قدرت)، ۲- نزدیکی جغرافیایی، ۳- توانمندی های نظامی، ۴- نیات تهاجمی که یادآور موازنه در سطح تهدید است که در آن کشورها صرفا روی موازنه قدرت متمرکز نیستند بلکه موازنه ی تهدید که در چهار سطح فوق می باشد را نیز مد نظر قرار می دهند (Walt, 1987: 147-151) که این موارد در زمینه دولت ایران در روزگار محمدرضا شاه پهلوی قابل تصدیق است. توجه به امور مرزی و مرزبانی از آنجا ناشی می شد که سرزمین و مرز به عنوان منبع قدرت به شمار می آیند بنابراین افزایش قدرت دلیلی بر افزایش ادعاهای مرزی در راستای افزایش قلمرو می باشد (Kristof, 1956: 269)، لذا علت سیاست توجه به مرزها از سوی دولتمردان این دوره در ایران را می توان در معنای واژه مرز جستجو نمود بر طبق تعاریف ارائه شده از مرز، مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می کنند (Dikshi, 1955: 45) مرزها مشخص کننده محدوده حاکمیت دولت بر مردم و منابع تحت نفوذش هستند و قلمرویی را که دولت می تواند قوانین خود را در آن جا به اجرا گذارد و قدرتش را اعمال کند تعیین می نماید. از این منظر، مهم ترین کارکرد مرز، ایجاد مانع و عامل بازدارندگی است. بدین معنا که مرزها از ورود و خروج هر پدیده و عاملی که در اعمال قدرت و حاکمیت آن کشور می تواند اختلال ایجاد کند ممانعت به عمل می آورند. به عبارت دقیق تر مرز همانند فیلتر و مانعی عمل می کند که مانع از انتقال کالا، موجودات زنده، حرکت مردم و هم چنین اندیشه ها و آرمان های آنان، رد قالب روزنامه، مجلات، کتاب ها و غیره

می شود که از نظر حکومت این موارد محل امنیت کشور محسوب می شود (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). علاوه بر این مرز، عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی با یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است. نقش مرزها متناسب با زمان تغییر می کند، این نقشها می توانند به شکل اقتصادی، نظامی-دفاعی باشند و یا به صورت تفکیک قلمرو حاکمیت دو کشور، محل تعامل سیستم دولت، جداسازی جوامع پیرامونی (که هویت اکولوژیک و یکپارچه دارند)، کنترل تعاملات اجتماعی و مهاجرتها محسوب شوند (Glassner, M.: 1993: 48_8) بنابراین می توان گفت دولت ایران با در پیش گرفتن سیاست بالا بردن امنیت در مرزها و با در نظر گرفتن تجربه ی اشغال و پی بردن به ضعف قدرت نظامی خود سعی در حفظ موقعیت و قلمرو خود را داشت بنابراین هدفش مطرح شدن به عنوان یک هژمون بین المللی نبود، هدفی که در اندیشه ی رهبران رئالیسم تهاجمی به عنوان هدف اصلی شناخته می شود (Mearsheimer, 2001, 21)

بررسی ها نشان می دهد علاوه بر کمکهای مالی آمریکا که در راستای تقویت نیروی نظامی ایران بوده است، اسنادی دال بر تلاش های متعدد دولت ایران در این بازه زمانی جهت تقویت مناطق مرزی و مرزبانی ها وجود دارند (آرشیو اسناد ملی سند شماره مورخ ۱۳۲۵/۰۴/۱۲ شماره ۶۰۱) در واقع دولت ایران در این بازه زمانی ضمن آنکه به مشکلات و ضعف های موجود در امر مرزبانی و مرزهای کشور اذعان داشته به طرق مختلف تلاش های متعددی را برای رفع آنها انجام داده است از جمله این موارد توجه به ضرورت تهیه ی نقشه هایی از مناطق مرزی و تدارک دستور ی جامع بر اساس قوانین مدنی، جزائی و دادرسی و قوانین تقسیمات کشوری، عمران و آبادی در این زمینه و ارسال نسخه هایی از آن به تمام مرزبانی ها بوده است که از موانع انجام آن کمبود منابع مالی بوده لذا دولت ایران برای تهیه نقشه های مناطق مرزی و تدوین دستورالعمل در خصوص مرزبانی به ناچار از بودجه اختصاص یافته به خرید مطبوعات بهره برده است (آرشیو اسناد ملی سند شماره مورخ ۱۳۲۶/۰۲/۳۰ شماره ۷۷۷). در این زمان ایران سیاست دنباله روی در نظام سیاسی را در پیش گرفته بود سیاستی که در آن جانب طرف قوی تر و دولت پیروز گرفته می شد تا بدین وسیله از ضررهای خود بکاهد اما نکته ای که نباید از نظر دور داشت آن است که در آناشری بین المللی، دنباله روی با تقویت طرفی که ممکن است بعدها به تو حمله نماید پیامدهای زیانباری را به دنبال خواهد داشت (دانلی، ۱۳۹۱: ۵۹).

ایران و برداشت های ذهنی رهبران

ایران در طول تاریخ مورد توجه نیروهای مهاجر و مهاجم بیشماری از قبیل اعراب، ترکان غزنوی و سلجوقی، مغولان و کشورهای عثمانی، انگلیس و روسیه بوده است، همین مسأله باعث توجه سلسله‌های شکل گرفته شده در ایران به مسأله حفاظت از قلمرو و امنیت مرزها گردید. همانگونه که پیشتر آمد در شرایط آنارشی امنیت بالاترین هدف می باشد (Waltz, 1979, 126) و از آنجا که موجودیت یک دولت با حفظ قلمرو معنا پیدا می کند در سالهای پس از جنگ جهانی دوم امنیت مرزها هدف اصلی در راستای حفظ کشور در نظام بین الملل به شمار می رفت. از جمله اقداماتی که دولت ایران در خصوص کسب قدرت برای امنیت نسبی و حفظ بقای خود انجام داد مربوط به استحکام بخشی مرزها بود بنابراین تدوین و انتشار یک سری دستورالعمل‌ها در این راستا در دستور کار قرار گرفت به عنوان مثال در بخشنامه‌ای از وزارت جنگ (ستاد ارتش) مرزبانان ایران از افسران ارتش انتخاب شده و این افسران می‌بایست با فرماندهان لشکر و واحدهای هم‌مرز ارتباط داشته باشند، فرماندهان لشکر باید از وجود افسران مرزی حداکثر استفاده را می‌کردند و با سریعترین وسیله ارتباطی با افسر مرزداری درارتباط بوده و مشکلات مرزی را به کمک آنان حل می‌کردند. افسران نیز موظف به ارائه گزارش روزانه، هفتگی و حتی ماهانه به فرماندهان لشکری بودند (آرشیو ملی ایران نمره ۷۴۱۷۹ تاریخ ۱۳۲۵/۱۱/۲۷). از سال ۱۳۲۵/۱۲/۰۴ حفاظت از اداره مرزبانی نیز در دستور کار دولت قرار گرفت (آرشیو ملی ایران نمره ۷۹۸۵۹ تاریخ ۱۳۲۵/۱۲/۲۲)^۱ همچنین ضرورت وجود فردی که مسلط به آیین نامه های مرزی در کمیسیون متشکل از وزارت جنگ، وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه جهت شفاف سازی مسائل مرزی مطرح و درخواست گردید (آرشیو اسناد ملی سند شماره مورخ ۱۳۲۶/۰۲/۱ شماره ۱۰۹۵/۷۰۹۴) در سندی رئیس مرزبانی اداره کل کشور در نامه ای به وزارت کشور از

^۱-اسناد مورد استفاده در آرشیو ملی ایران قرار دارند که در این آرشیو، اسناد به صورت موضوعی طبقه بندی شده و هر موضوع خاص، به واقع یک پرونده سند را تشکیل می دهد. این اسناد شامل ۲۲ برگ سند با موضوعیت اقدام در جهت بهبود اوضاع مرزبانی با شناسه سند ۲۹۰/۸۱۳۷ و همچنین ۵ برگ سند با موضوعیت لزوم حفاظت از اداره مرزبانی با شناسه سند ۲۹۰/۸۲۹۵ می باشد.

وضعیت نابسامان مرزبانی و وضعیت آشفته آن گزارشی به وزارت کشور داده و در این گزارش وضعیت اداره مرزبانی تا حدی اعلام می گردد که مرزبانی ها مورد غارت واقع گردیده اند (آرشیو ملی ایران نمره ۳۷۰۹ تاریخ ۱۳۲۶/۰۲/۰۱) لذا از مرزبانی ها خواسته شده که برای حفاظت از مرزها و اموال خود از مرزبانان استفاده نمایند... به منظور ساماندهی به مسائل مرزی دستور تهیه فهرستی از وقایع مرزی که اتباع دولت همسایه در آن نقش داشتند و وقایع مرزی که توسط این اتباع انجام گرفته بود که به دلایلی مانند عدم دسترسی به متخلفین، گذشت زمان طولانی از وقوع تخلف، عدم تمایل مأمورین همسایه به پیگیری تخلف، معوق مانده بود در دستور کار قرار گرفت همچنین تهیه ی گزارشی از شیوه رفتاری مرزبانان ایران با مرزبانان دولت همسایه و بالعکس از جمله تلاش هایی بود که در راستای قدرت بخشیدن و به انتظام در آوردن امور مرزبانی ها در این دوره صورت گرفت (آرشیو ملی ایران تاریخ ۱۳۲۶/۰۲/۲۶). طبق اسناد دریافتی در طول سالیان دراز، مرزبانی زیر نظر ژاندارمری و ارتش بود و مقامات از عملکرد آنها ناراضی بودند بنابراین در جهت بهبود عملکرد امور مربوط به مرزبانی ها، اداره آنها به وزارت کشور سپرده شد که سر و سامانی به امورات آنها داده شود (آرشیو ملی ایران ۱۳۲۶/۰۵/۲۴). لازم به ذکر است چونکه سایر کشورهای همسایه امور مرزبانی را مورد توجه قرار داده بودند دولت اقدام به تشکیل کمیسونی متشکل از وزارتخانه های ذینفع در امور مرزبانی کشور کرد از جمله این وزارتخانه ها، وزارت کشاورزی بود. در اولین روز کاری مورخ ۱۳۲۶/۶/۱۷ نمایندگان سایر وزارتخانه ها حضور به هم نرساندند و تنها وزیر کشاورزی که سابقاً افسر ارتش بود حضور داشت این در حالی بود که در این برهه زمانی وضعیت مرزدریهای کشور به حدی ضعیف بود که مرزبانان حتی به محل خدمت خود آشنایی نداشتند (آرشیو ملی ایران نمره ۵۴۳۳۴ تاریخ ۱۳۲۶/۰۶/۲۵) عدم حضور سایر وزارتخانه ها در جلسه هم اندیشی برای حل و بررسی مسائل مرزی می تواند نشان از بی تفاوتی یا ناآگاهی آنها به امور امنیتی و مرزی کشور و میزان اهمیت آن بوده باشد. در ادامه ی تلاش های دولت در استحکام بخشی مرزها گزارشی از عملکرد دولت در تاریخ ۱۳۲۶/۰۹/۱۸ مبنی بر تقویت مرزبانی ها در دسترس است که دولت در مرزبانی ها با هدف تقویت و استحکام بخشی مرزها اقدام به جایگزین نیروهای ژاندارمری بجای نیروهای ارتش می نماید (آرشیو اسناد ملی سند شماره مورخ ۱۳۲۶/۰۹/۱۸ شماره ۱۶۰۰۵/۹۷۰۴۱).

نقش مرزها در عرصه سیاست داخلی

بر اساس رهیافت واقع‌گرایی تدافعی دولت‌ها امنیت را هدف اصلی می‌دانند و بنابراین به دنبال آن میزان از قدرت هستند که بقای آنان را تضمین نماید و از آنجا که امنیت، از مشخصه‌های اصلی و مؤلفه بنیادین جهت اعمال یک حاکمیت مؤثر در عرصه سیاست داخلی و تضمین بقا در عرصه نظام بین‌الملل تلقی می‌گردد. در عرصه داخلی کشورها همواره مؤلفه‌هایی چون میزان استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلاف سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان‌بخش‌های لشکری و کشوری می‌توانند بر توانایی دولت‌ها در زمینه بسیج منابع داخلی جهت تامین امنیت و منافع ملی اثرات قابل توجهی داشته باشند لذا قدرت سیاسی که در راس یک نظام سیاسی در یک کشور قرار دارد می‌تواند نقش موثر و عمده‌ای در بسیج منابع مادی و انسانی آن کشور جهت تامین امنیت و منافع ملی آن داشته باشد. در دوره پهلوی ماهیت قدرت به گونه‌ای بود که شاه قدرت مطلقه و مهم‌ترین شخص تصمیم‌گیرنده در کشور محسوب می‌شد، در تأیید این ادعا گفته‌ی محمد رضا شاه را ملاک قرار می‌دهیم او گفته بود دولت یعنی من (راجی، ۱۳۷۴: ۱۸۸) او در انجام اصلاحات در کشور به وجود شدیدترین دیکتاتوری‌ها اعتقاد داشت (گراهام، ۱۳۵۸: ۶۹) بر حسب واقعیات موجود در این دوره بسیاری ویژگی‌های اصلی ماهیت قدرت در دوره پهلوی را تمرکز قدرت و ماهیت شخصی بودن آن عنوان می‌نمایند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۱۶) وجود چنین ویژگی‌های در محمد رضا شاه پهلوی سبب شد تا همواره خود در حوزه سیاست داخلی و خارجی تصمیم‌گیرنده محوری و اصلی باشد لذا در دوره مورد بررسی نیز شخص شاه در رأس هرم قدرت سیاسی ایران با توجه به برداشت‌های شخصی خود و وضعیتی که کشور دچار آن شده بود راه برون‌رفت از این وضعیت بحرانی را در قوی کردن ارتش و تجهیزات نظامی در حوزه سیاست داخلی می‌دید لذا بر این موضوع متمرکز شد (فونتن، ۱۳۶۴: ۴۵۸) به کارگیری نیروهای ارتش در حفاظت از مرزها و تجهیز مرزبانی‌ها تأییدی بر این ادعاست، این افزایش قدرت مرزی پس بود به طوریکه بعدها تقویت مرزهای دریایی در حوزه‌ی اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای عمان را نیز به دنبال داشت (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۱۲).

نامه نگاری ارتش دقت در انجام وظایف

شماره ۰۱۸۷۰۰۱۱۱۹۱۱۰۰۱۰۰۱
مورخه ۲۵/۱۱/۲۳

وزارت جنگ
ستاد ارتش
بخشنامه

توجیه مرافقه سرو و اهداد نموده
که متمم نامه است با شماره ذکر شود

رکن ۲
شعبه ۱
پیوست

۱۰

نظر به گزارشات متضادی که نسبت بوضعیت مرزبانی و اصل میشود خاطر نشان مینماید که مرزبانان از افسران ارتش تعیین شده و این افسران موظفاند با همکاری و ارتباط کامل با فرماندهان لشکر و واحدهای هم مرز خدمت نمایند چه یک افسر مرزبان فقط قادر بکار و خدمتی نبوده و تا وقتی با فرمانده لشکر و واحد مربوطه ارتباط نداشته باشد از وجود مرزبان استفاده نخواهد شد بنا بر مراتب مندرجه بالا بمنجن اینکه افسر مرزبانی در یکی از نقاط مرزی بر قرار گردید فرمانده لشکر یا واحد مجاور موظف است که با این افسر مرزبان با سریعترین وسائل ارتباط حاصل کرده در آنجا از جریانات کار او مستحضر بوده کلیه اشکالات مرزی را بوسیله او مرتفع و اقدامات لازمه را بوسیله او معمول دارد فرماندهان بایستی افسران مرزبان را با آنکه از ادازه مرزبانی اعزام میشوند جزو سازمان لشکر خود در حقیقت محسوب داشته از وجود آنها حداکثر استفاده را بنمایند و حتی افسران مرزبان هم موظف خواهند بود مرتباً بوسیله اطلاعات روزانه هفتگی - ماهیانه فرماندهان را از وضعیت مرز نواحی مجاور مرز و اطلاعات حاصله مستحضر سازند چه این اطلاعات صرفاً برای فرماندهان لشکر مفید بوده و آنها هستند که بایستی حداکثر استفاده را از این اطلاعات ببرند -

رئیس ستاد ارتش - سرلشکر رزم آرا

رئیس رکن دوم ستاد ارتش - سرهنگ ستاد کیلانشاه

۷۴۱۷۹

۲۵/۱۱/۲۷

۱۸۲۸۷

نتیجه گیری

در داخل مرزهای مشخص است که مردم احساس وابستگی به آب و خاک می‌نمایند و به این طریق است که احساسات ملی و میهن پرستی شکل می‌گیرد. در واقع مرز حائل بین یک کشور با همسایگان و دیگر کشورهاست و در داخل مرز است که سرزمین یا قلمرو یک دولت معنا پیدا می‌کند و همواره در کارکرد بازدارندگی مرز، نگرش امنیتی - سیاسی غالب است. امنیت مرزی به معنای جلوگیری کردن از هر گونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است و بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوع در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل، امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد در طول جنگ جهانی دوم و سالهای پس از اشغال مرزهای ایران کانون توجه نیروهای متفقین بود بنابراین عدم امنیت در مرزبانی‌ها به ویژه با فعالیتهای احزابی مانند حزب توده وابسته به شوروی امر آشکاری بود و با سیاست‌های آمریکا در منطقه ی خاورمیانه در رقابت با شوروی این امر بیش از پیش محسوس بود. تبلیغات آمریکا برای مقابله با کمونیست و کمکهای مالی، نظامی بار دیگر حفاظت از مرزها و بهبود اوضاع مرزبانی مرکز توجه قرار گرفت اسناد به جای مانده از دوره ی ۱۳۲۵-۱۳۲۶ه.ش بیانگر این مسأله است که دولت پهلوی متأثر از اشغال طی جنگ جهانی دوم برنامه جامعی را در جهت تقویت مرزهای کشور در سر لوحه ی کار خود قرار داده بود و به این طریق درصدد کسب امنیت و حفظ بقاء در نظام آنارشیک بین المللی بود در واقع فهمی که دولت ایران از قدرت در این برهه از زمان داشت چیزی جز تقویت دفاعی نبود که آن نیز پیامد احاطه شدن توسط قدرتهای بزرگ و تهدید قلمرو دولت ایران بود با مطالعه ی اسناد به جای مانده از این دوره متوجه می شویم که مرزبانان کشور از توانایی کافی در این زمینه برخوردار نبودند و مناطق مرزی هم برای مرزبانان به خوبی شناسایی نشده بود تأکید به عدم اعتیاد مرزبانان خود بیانگر این است که به احتمال اینگونه انحرافات اخلاقی در بین آنان رواج داشته است. دزدی، تجاوزات مسلح و غیر مسلح دستجات، عبور و مرور های غیر قانونی، تخطی به املاک زراعتی، استفاده غیر مشروع از آب و خاک مراتع از جمله مسائل و مشکلات دیگر مرزی ایران دوره ی پهلوی دوم بوده که در شرایط آنارشیک نظام بین المل می توانست برای دولت ایران ایجاد زحمت و حتی بی نظمی و بی ثباتی داخلی

به دنبال داشته باشد. وضعیت مرزها و نا امنی در آنها تا حدی بوده است که بسیاری از پرونده‌ی تخلفات مرزی حل نشده باقی مانده بود. نکته قابل توجه در این پژوهش فاصله‌ی زمانی است که از زمان ترک کامل ایران توسط نیروهای متفقین در مرداد ۱۳۲۵ تا صدور دستورالعمل جدید در اواخر بهمن در خصوص حفاظت از اداره مرزبانی صورت گرفته است ضمن آنکه می‌تواند نشان دهنده‌ی عملکرد دیر هنگام دولت پهلوی در خصوص حفاظت از مرزها باشد بیانگر آن است که قرار گرفتن در مسیر رئالیسم دفاعی برای ایران از نظر سیاست داخلی و خارجی با حساسیت خاصی دنبال شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸). روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: قومس.
- امینی، رضا (۱۳۴۱). اسناد مهم سیاسی از وقایع شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، ۲۱. آبادیان، حسین (۱۳۹۰). آمریکا و اهمیت نظامی ایران در جنگ جهانی دوم، تاریخ روابط خارجی، ۱۲ (۳۷)، ۱-۳۰.
- آرشیو اسناد ملی ایران.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، روابط خارجی، ۱۱ (۱)، ۱۵۳-۱۱۳.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). شیر و عقاب، ترجمه: برلیان فروزنده، تهران: فاخته.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۴). سیاست‌های استعماری روسیه، انگلستان و فرانسه در ایران، تهران: اقبال.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰). نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، تاریخ روابط خارجی، سال ۲ (۹)، ۶۱-۷۲.
- خطابی، غلام‌حسین (۱۳۷۴). مرزبانی، بی‌جا: معاونت آموزش ناجا.
- دانلی، جک (۱۳۹۱). واقع‌گرایی در اسکات برچیل و دیگران: نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی آرانی، تهران: نشر میزان.
- راجی، پرویز (۱۳۷۴). خدمت‌گزار تخت طاووس، ترجمه حامد، مهران، تهران: اطلاعات.
- رکابیان، رشید؛ خندان، سیروس (۱۴۰۰). نقش جریان شناسی «نفوذ» بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی به تمام آرمانها و اهدافش (باتاکید بر دهه ۱۳۹۰). راهبرد سیاسی، ۵ (۱۹)، ۱۱۳-۱۳۴.
- زرقانی، هادی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، بی‌جا: دانشگاه علوم انتظامی.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ بدری، کوروش (۱۴۰۰). سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی: مطالعه موردی کرمانشاه. راهبرد سیاسی، ۵ (۱۹)، ۱۹۷-۲۲۰.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۶). روابط ایران و غرب، بی‌جا: چاپ اول.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۲). روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد ۱، تهران: گفتار.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴). بحران دموکراسی در ایران، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: البرز.

فالاچی، اوریانانا (۱۳۷۵). مصاحبه با تاریخ، ترجمه: پیروز ملکی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر. فونتین، آندره (۱۳۶۴). یک بستر و دو رؤیا تاریخ تنش زدایی (۱۹۶۲-۱۹۸۱)، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه: فرشته سرلک، تهران: نشر گفتار.

کامل، سید روح الله (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی، نگاه، ۴ (۳۸).

گراهام، رابرت (۱۳۵۸). ایران: سراب قدرت، ترجمه: فیروز فیروز نیا، بی جا: سحاب کتاب.

گنج بخش زمانی، محسن (۱۳۸۶). تحلیل اشغال ایران در جنگ جهانی دوم در چارچوب اهداف و استراتژیهای کلان متفقین، تاریخ روابط خارجی، ۲ (۱۰)، ۱۴۳-۱۵۲.

محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: انتشارات دادگستر.

مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۶۹). تاریخ روابط خارجی ایران، جلد ۲، قم: اسلامی.

مرشدی زاد، علی (۱۳۸۰). روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، تهران: نشر مرکز.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

الموتی، ضیاء الدین (۱۳۷۰). فصولی از تاریخ سیاسی و اجتماعی مبارزات ایران، تهران: چاپخش.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، جلد ۱، تهران: رسا.

ندائی، علی اکبر (۱۴۰۰). روش‌های یادگیری در سیاست‌گذاری عمومی. راهبرد سیاسی، ۵ (۱۹)، ۱۶۰-۱۳۵.

هاگت، پیترو (۱۳۷۶). جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد، جلد ۲، تهران: سمت.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۸). تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران: انتشارات مولف.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۶). دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، مطالعات راهبردی، ۱۰ (۳۸)، ۷۵۰-۷۲۵.

Dikshit, Ramesh (1995), Political Geography; published by Tata-MCGRAW-HILL.

Glassner, Martin Ira (1993). Political geography; New York: John Wiley sons.

Jervis, Robert (1999). 'Realism, Neoliberalism, and Cooperation: understanding the debate, International Security'. Summer, 24(1):42-63.

- Kristof, Ladis (1959). The Nature of frontiers and boundaries, in Annals Association of American Geographers, No. 49.
- Mearsheimer, J. J. (2001). The Tragedy of Great Power Politics. New York: W.W. Norton
- Prescott, J.R.V (1987). The Geography of frontiers and boundaries. New Jersey. Pub: Taylor & Francis primacy in the Persian Gulf", Diplomatic history, 36.
- Rose, Gideon (1998). Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy. World Politics, Vol. 51, No. 1, Oct., 1998, pp. 144-172
- Steimo, Sven; Thelen, Kathleen and Longstreth, Frank (1992) Structuring Politics: Historical Institutionalism in Comparative Analysis / edited by Sven Steinmo, Kathleen Thelen, and Frank Longstreth.
- Walt, S. M; Alliances, Threats and U.S (1992). Grand Strategy: A Reply to Kaufmann and Labs. Security Studies, 1 (3), pp. 448-482
- Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics. Mass: Addison.
- Wesley. Zakaria, Fareed. (1998) From wealth to power: the Unusual origins of America's world role. Princeton. Nj: Princeton University Press.